

علی ماجدی، سفیر سابق ایران در آلمان در گفت‌وگو با روزنامه ایران مطرح کرد

اروپا به دنبال برجام تکمیلی نیست

مریم سالاری
خبرنگار دیپلماتی

پیروزی «جو بایدن» در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، روزنه‌های امیدبخشی را برای گره‌گشایی از روند اجرای توافق هسته‌ای گشوده است؛ توافقی که با خروج دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا عملاً با ناکامی سه کشور اروپایی برای جبران مافات ضرر و زیان‌های ایران روبه‌رو شد. اینک این دسته از کشورها با سناریوی حضور «بایدن» می‌کوشند تا با چراغ سبز او مبنی بر بهره‌گیری از قدرت نرم و پیگیری یک سیاست چندجانبه‌گرایانه، نه تنها برجام را به ریل بازگردانند که باب گفت‌وگو با ایران درباره مسائل دیگر از جمله موضوعات منطقه‌ای را هم باز کنند. علی ماجدی، سفیر سابق ایران در آلمان در گفت‌وگو با روزنامه ایران به بررسی مواضع اخیر تروپینکای اروپایی پیرامون برجام پرداخته است. او معتقد است آلمان، فرانسه و انگلیس با طرح موضوعاتی غیر از برجام به دنبال پیگیری دغدغه‌هایی هستند که شاید بیش از آمریکا برای اروپا اهمیت داشته باشد.

■ **با وعده «جو بایدن»**، رئیس جمهوری منتخب آمریکا برای بازگشت به برجام، کشورهای اروپایی از توافق تکمیلی سخن به میان آورده‌اند و با آنکه «بایدن» هنوز روند بازگشت به توافق هسته‌ای را مشروط نکرده است، اما لزوم گفت‌وگو با ایران درباره مسائل دیگر غیر از مسأله هسته‌ای مطرح است. تحلیل شما از موضع‌گیری جدید اروپا چیست؟

امریکا و اروپا در دوره دونالد ترامپ رابطه‌ای را تجربه کردند که منجر به شکاف هرچه بیشتر طرفین شد. ترامپ نسبت به یک‌سری از موضوعات مهم و حیاتی برای اروپایی‌ها مانند مسأله مهاجران یا امنیت در منطقه خاورمیانه اهمیتی قائل نبود؛ چون این موضوعات برای امنیت آمریکا تهدیدی به شمار نمی‌آید ولی برای اروپایی‌ها بسیار مهم است. ترامپ بسیار علاقه‌مند بود که اتحادیه اروپا تجزیه شود و با کشورهای اروپایی جداگانه سروکار داشته باشد. این در حالی بود که سه کشور اروپایی طرف توافق با ایران ذیل اتحادیه اروپایی، بعد از خروج ترامپ از برجام به دلیل مناسبات اقتصادی در هم پیچیده اقتصادی که با آمریکا دارند، نتوانستند منافع اقتصادی ایران را به عنوان کشورهای طرف پیمان برجام تأمین کنند.

اما «بایدن» به دنبال اجماع‌سازی جهانی خواهد بود نه یکجانبه‌گرایی محض. او و در مجموع دموکرات‌ها کار با اروپایی‌ها را در برنامه اصلی خود قرار می‌دهند. بایدن درباره برجام هم تلاش خواهد کرد که سنگ بنای تازه‌ای برای ملزم کردن ایران به اجرای تعهدات برجامی‌اش و آماده‌سازی آن برای گفت‌وگو پیرامون سایر موضوعات به وجود آورد.

■ **آیا منظور، مذاکره برای یک توافق تکمیلی است؟** من معتقدم صحبت‌های آقای بایدن برای گفت‌وگو درباره مسائل پیشتر در همان زمان دستیابی به توافق هسته‌ای هم مطرح شده بود و مواضع اخیر ایشان به همان زمان برمی‌گردد. منظورم زمانی است که در ایران هم آقای روحانی از برجام ۲ و ۳ سخن به میان آورد. از جمله موارد مطرح شده هم مسائل منطقه و موضوع فعالیت‌های موشکی ایران بود که خب صحبت درباره موضوع دوم به طور کامل از سوی ایران رد شد.

موضع کنونی اروپایی‌ها رجوع به برجام ۲ و ۳ است. البته قرار بود که مذاکره درباره موضوعات دیگر زمانی باشد که حداقلی از اعتماد میان ایران و طرفین بر سر توافق هسته‌ای شکل گرفته باشد اما خروج آمریکا از این توافق همه محاسبات را بر هم زد و عملاً امکان مذاکره درباره موضوعات دیگر منتفی شد. در شرایط کنونی کشورهای اروپایی دست پیش را گرفته‌اند که اگر آمریکا می‌خواهد به برجام برگردد خوب است که نیم‌نگاهی هم به مسائلی که آقای باراک اوباما، رئیس جمهوری سابق آمریکا مطرح کرده بود، داشته باشد. من معتقدم اروپایی‌ها با این کار می‌خواهند کار را برای آقای بایدن راحت‌تر کنند و نشان دهند که با بایدن برای مذاکره با ایران درباره مسائل دیگری غیر از مسأله هسته‌ای همراه هستند.

البته نباید فراموش کرد که همان موقع که آقای روحانی از برجام‌های دیگر سخن گفت، این مسأله با مخالفت‌های جدی داخلی هم روبه‌رو شد. در آن زمان درخواست برای گفت‌وگو درباره مسائل منطقه‌ای از سوی ۵+۱ بسیار مطرح بود و تا جایی که من به دلیل مسئولیت وقت خود مطلع بودم، اگر صحبتی هم درباره مسائل منطقه‌ای می‌شد فقط میان ایران و آمریکا پیام رد و بدل می‌شد. الان هم اروپایی‌ها انتظار دارند که اگر بایدن به برجام برگردد بلافاصله موارد دیگر را

هم پیگیری کند و در همان مراحل اولیه پیشنهاد مذاکره درباره مسائل منطقه‌ای را روی میز بگذارد. ■ **با این حساب** موضع‌گیری آقای «هایکو ماس»، وزیر خارجه آلمان را چطور ارزیابی می‌کنید. ایشان تأکید ویژه‌ای بر لزوم دستیابی به یک توافق جدید داشت و این خلاف موضعی بود که آقای «جوژپ بورل»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا مطرح کرده است.

من طرح چنین موضعی را نوعی فرار رو به جلو ی برخی از کشورهای اروپایی می‌دانم که سعی می‌کنند انتظار بالاتری را مطرح کنند که بعداً امکان مذاکره درباره مسائل دیگر با ایران را داشته باشند و در آن زمان هم این موارد را مطرح کرده بودند که راه را باز کنند. باید توجه داشت که این موضع‌گیری وزیر خارجه آلمان بود و اتحادیه اروپا در این میان حرفی نزد. در همین راستا آلمان مقداری بد عمل کرد. از طرف دیگر مواضع اخیر وزیر خارجه آلمان را باید به نوعی در راستای شرایط داخلی حزب متبوعش در داخل کشور ارزیابی کرد. قرار است در آلمان در بهمن ماه ۲۰۲۰ اسفند ماه انتخابات مجلس فدرال اصلی برگزار شود و در آنجا دو حزب CDU و SPD که الان در واقع ائتلاف بزرگ را درست کرده‌اند، در وضعیت خوبی قرار ندارند. خانم «آنگلا مرکل»، دیگر آماده نیست رهبری حزب را ادامه دهد بنابراین موضع آقای «ماس» تا حدودی در آلمان جنبه مصرف داخلی داشت و می‌خواست موضع بالاتری بگیرد چون حزب حاکم موقعیت متزلزلی دارد.

این‌طور نیست که اگر آقای بایدن بخواهد به برجام برگردد اروپایی‌ها مانع از بازگشت او به این توافق شوند. لذا می‌دانند این حرف خریداری در ایران ندارد ولی فقط این آمادگی را به بایدن می‌دهند که اگر به توافق برگشت به مسائل دیگر که برای خود اروپایی‌ها از نظر امنیتی حائز شرایط بیشتری است، بپردازد. در حقیقت آنها می‌خواهند به معنای مشروط کردن برجام نخواهد بود. یعنی به بازگشت احتمالی آمریکا مشروط به اما و اگر شود. ■ **بنابراین اینکه آقای بایدن بازگشت به برجام و لغو تعهدات اقتصادی علیه ایران را کار دشواری خواهد است**، با در نظر گرفتن ترغیب ایران برای پیگیری موضوعات دیگر همچون مسائل منطقه‌ای در کنار برجام است؟

من شخصاً معتقدم منظور آقای بایدن از بازگشت به برجام است اما بعد از بازگشت و احیای تعهدات ایران، درباره مسائل دیگر جدا صحبت شود. اتحادیه اروپا و آمریکا به اتفاق این موضع را خواهند گرفت و دیگر بحث تکمیل برجام مطرح نخواهد بود.

■ **چنانکه اشاره کردید زمانی ایران حرف از برجام ۲ و ۳ می‌زد و این مسیر را می‌دید که با غرر درباره مسائل منطقه‌ای هم گفت‌وگو کند اما این روزها شاهدیم که مقام‌های ایرانی در واکنش به کشورهای عربی که خواهان پیوستن به مذاکرات احتمالی درباره برجام هستند می‌گویند که ما با غرر درباره مسائل منطقه حرف نمی‌زنیم. آیا این به معنای تغییر موضع ایران است؟**

وقتی در ایران درباره برجام ۲ یا ۳ صحبت شد، عملاً این بحث خیلی دور نیست. الان فرصتی پیدا

شده که آمریکا مجدداً به برجام برگردد اما مسائل ایران از دیدگاه اروپایی‌ها حل نشده است و فقط برجام حل شده است و آنها انتظار دارند بقیه مسائل هم حل شود لذا اروپایی‌ها الان در حال پیگیری این مسأله هستند. اما آنها این نکته را هم می‌دانند که ما آماده نیستیم و می‌خواهیم برجام اجرا شود ولی درباره سایر مسائل منطقه‌ای در ایران نوعی دوگانگی

وجود دارد. این دوگانگی درباره برجام هم حاصل شد و سیاست خارجی یکدست نبود لذا اروپایی‌ها پیش‌بینی می‌کنند بعد از برجام باید سایر مسائل حل نشده مطرح دیده بود باید بازسازی شود مسائل مختلف دیگر مطرح است مسأله روسیه و چین هم در کنار ایران مطرح است. اینها یک مجموعه است که در قالب ۵+۱ هم مورد پیگیری قرار گیرد. ■ **آیا بین اروپا و آمریکا درباره موضوعات دیگر مثلاً منطقه‌ای و موشکی اختلاف نظر وجود دارد؟ گفته می‌شود مسأله فعالیت موشکی ایران برای اروپا بیشتر حائز اهمیت است.**

مسئله فعالیت موشکی ایران محدود کرد شاید مسائل دیگر هم مطرح خواهد شد. ایران هم چنین است. تنش میان آمریکا و چین در دو حزب چین است. تنش میان آمریکا و چین می‌رود که تفاوت اصلی در رویکرد دارد. در آمریکا بایدن متعهد شده است که با متحدان آمریکا برای اعمال فشار بر چین از طریق سازمان‌های چندجانبه همکاری کند. این در حالی است که اروپا هم این هدف را دنبال می‌کند؛ یعنی احتمالاً اروپا و آمریکا یکپارچه ضد چین خواهند شد و بیشتر

مسأله اقتصادی را مد نظر قرار خواهند داد. در روسیه داستان کمی متفاوت خواهد بود به نظر من در دوره بایدن تفاوت چین و روسیه کمی جابه‌جا خواهد شد. اما در مورد ایران، اروپا تلاش می‌کند با طرح مسائل دیگر در کنار برجام، همسویی بیشتری ایجاد کند و اگر به عنوان مثال مسأله موشکی هم برای آن اهمیت بیشتری دارد، مایل است از طریق آمریکا پیگیری کرد؟

■ **اروپا در برجام بسیار دست بسته عمل کرد و نتوانست آسیب حاصل از خروج آمریکا را به دلیل سیطره ساختار اقتصادی آمریکا بر نهادهای اقتصادی‌اش جبران کند. می‌ودا شدن این گزاره، جایگاه اروپا را در مذاکرات احتمالی با ایران تضعیف نخواهد کرد؟** هیچ کشوری در روابط بین‌الملل دوست یا دشمن دائمی ندارد. اگر الان بخواهیم سه قدرت را در نظر بگیریم چین قدرت جهانی است که خوشبختانه ما رابطه خوبی با آن داریم. آمریکا قدرت جهانی است و همه فاکتورهای قدرت را به‌طور کامل دارد اما اتحادیه اروپا تمام فاکتورها را ندارد و نسبت به روسیه و چین از نظر سیاسی بسیار ضعیف‌تر است و اقتصاد آن هم ضعیف‌تر است اما وزن دارد و نمی‌توان جایگاه و وزن آن را نادیده گرفت. لذا در هر صورت باید با این قدرت نوعی توازن ایجاد کرد نمی‌توان اصلاً با آمریکا کاری نداشت چون به طور طبیعی مشکلات خود را دارد ما ایستادگی کردیم اما هزینه هم دادیم و نمی‌توان این مسأله را نادیده گرفت. ممکن است اگر بخواهیم مقابل اروپا بایستیم هزینه کمتر باشد اما باید بتوان با همه قدرت‌ها در یک حالت متعادل کار کرد سیاست خارجی ما باید متوازن باشد و بر اساس منافع ملی خودمان اقدامات را انجام دهیم. هر کدام از این کشورها هم ، وزن خاص خود را دارند. بله قطعاً اتحادیه اروپا از نظر نفوذ سیاسی ضعیف‌تر از آمریکا است اما نمی‌توان تأثیر و تأثیری که از منظر سیاسی بر ایران دارد، نادیده گرفت. در واقع در صحنه بین‌المللی باید موقعیت خود را با بقیه کشورها ستجید منهای اینکه بقیه کشورها و قدرت‌ها چگونه با یکدیگر تعامل می‌کنند. در غیر این صورت ممکن است دچار اشتباه محاسبه شویم.



«ایران» از مواضع و چالش‌های پیش رو گزارش می‌دهد

بازگشت به برجام یا توافق

ایبن در حالی بود که از نظر تهران، هدف از طراحی اولیه این توافق آغاز دوران تازه‌ای در روابط ایران و کشورهای منظومه غرب بویژه آمریکا نبود مگر اینکه به طرف با پایبندی کامل به تعهدات خود در چارچوب این توافق، زمینه را برای اعتمادسازی فراهم کند.

■ **راه سخت «بایدن»**

حضور دونالد ترامپ، رئیس جمهوری جمهوریرخواه آمریکا همه این معادلات را برهم زد و او کوشید با سلسله تحریم‌های بی سابقه، مهر پایان را بر سرنوشت توافق هسته‌ای بزند. به این تئدروی‌ها باید تمکین بی چون و چرای او را از شرکای راهبردی‌اش ذیل این نگاه که ایران کانون همه تنش‌های منطقه‌ای است، افزود که چنان فشاری را بر برجام وارد کرد که عملاً چشم‌انداز بقای درازمدتش را در هاله‌ای از ابهام فرو برد. تلاش برای محدود کردن قدرت دفاعی ایران و گسترش توافقات تسلیحاتی با متحدان منطقه‌ای هم در امتداد محقق کردن همین هدف بود. بویژه آنکه شماری از همپیمانان سنتی آمریکا در خاورمیانه از جمله تل‌آویو، ریاض و ابوظبی در سال‌های گذشته درصدد ترغیب واشنگتن به بهره‌گیری از قدرت نظامی و اقتصادی‌اش برای ممانعت از چرخش موازنه منطقه‌ای به سود تهران بوده‌اند.

در چنین شرایطی است که به نظر می‌رسد «بایدن» راه دشواری در پیش رود دارد، او بخوبی می‌داند که برقراری پیوندهای مستقیم با ایران می‌تواند اهرمی برای بازسازی برجام و مسیری باشد که در صورت پایبندی واشنگتن به آن می‌توانست به نقطه عزیمت برسد. تردیدی نیست که نقطه عزیمت شکل‌گیری چنین پیوندی لغو بی‌اما و اگر تحریم‌های هسته‌ای است بدون آنکه در همان اول راه، پای موضوع دیگری در میان باشد.

■ **پیام تهران به واشنگتن**

لغو این تحریم‌ها از نظر تهران گام نخست برای پیروی از قطعنامه‌ای است که آمریکا صرفاً به حکم عضویت در سازمان ملل ملزم به پیروی از آن است و سپس برای اینکه بتواند بار دیگر عضوی

یکی از سه کشور طرف برجام برخلاف موضع رسمی «جوژپ بورل»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا باشد که تاکنون تنها خواسته بازگشت آمریکا به برجام و لغو تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران را مطرح و تکرار کرده است.

■ **تخته سنگی پشت در مذاکرات**

طرح مواضع اروپایی‌ها در حالی است که «بایدن» تاکنون درباره برجام تکمیلی سخنی به میان نیاورده است و صراحتاً بر بازگشت به برجام در ازای ازسرگیری تعهدات ایران در چارچوب این توافق تأکید کرده است. ناظران چنین موضعی را به درنظر گرفتن برجام به عنوان توافق اول با ایران ارزیابی می‌کنند. این همان پیشنهادی بود که «کاترین اشتون»، مسئول پیشین اتحادیه اروپا هم در راهکارهای چندگانه‌اش به دولت «بایدن» به آن اشاره داشت. جایی که او گفت: «راهکار مهم حل مسأله برجام در نظر گرفتن برجام به عنوان توافق اول است نه آخر، چرا که توافق سال ۲۰۱۵ هیچگاه قرار نبود نقطه پایان مذاکرات باشد. این توافق یک نگرانی بزرگ بخصوص را مطرح کرد که برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران بود و نسبتاً موفق بوده است. تا اینکه ترامپ از آن خارج شد در حالی که ایران همچنان به آن پایبند بود.» «اشتون» می‌افزاید: «همه ما بر بسیاری دیگر از مسائلی که باید متوقف می‌شدند، مانند برنامه موشک‌های بالستیک و بلندپروازی‌های ایران در منطقه واقف بودیم اما این تخته سنگی پشت در مذاکرات بود که باید قبل از پیش رفتن ما برای حل کردن بقیه موارد کنار زده می‌شد.»

پیش‌تر نگرانی کشورهای غربی از کوتاه شدن زمان گریز هسته‌ای ایران دلیلی موجه برای حل فوری و ضروری جهت تعامل با تهران بود. با این حال به اعتقاد این دسته از کشورها، برجام برای پرداختن به نگرانی‌های دیگر آنها کافی نبود. چه باراک اوباما، رئیس جمهوری وقت آمریکا توافق هسته‌ای را راهی برای آب شدن یخ‌های رابطه و فراهم کردن زمینه برای کاستن از اختلاف با تهران درباره دیگر موضوعات می‌دید.

کروه سیاسی / تکمیل برجام یا لغو بدون چون و چرای تحریم‌های هسته‌ای ایران؟ این پرسشی است که بعد از پیروزی «جو بایدن»، رئیس جمهوری منتخب آمریکا که اندکی پس از آغاز دوران ریاست جمهوری‌اش با موضوع دشوار بازگشت به برجام و پیگیری مسائل دیگر پیرامون آن روبه‌رو شده، مطرح است. اقدامی که زیر سایه هدف دولت دونالد ترامپ برای ناممکن کردن این کار سخت دیده و دموکرات‌ها را برای بی اثر کردن هزینه سیاسی تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران به تکاپو انداخته است.

رئیس جمهوری منتخب آمریکا که سابقه همکاری‌اش با دولت باراک اوباما به عنوان معاون ریاست جمهوری سبب شده است او را بیش از هر فرد دیگری در دوره بایدن تفاوت چین و روسیه کمی جابه‌جا خواهد شد. اما در مورد ایران، اروپا تلاش می‌کند با طرح مسائل دیگر در کنار برجام، همسویی بیشتری ایجاد کند و اگر به عنوان مثال مسأله موشکی هم برای آن اهمیت بیشتری دارد، مایل است از طریق آمریکا پیگیری کرد؟

■ **اروپا در برجام بسیار دست بسته عمل کرد و نتوانست آسیب حاصل از خروج آمریکا را به دلیل سیطره ساختار اقتصادی آمریکا بر نهادهای اقتصادی‌اش جبران کند. می‌ودا شدن این گزاره، جایگاه اروپا را در مذاکرات احتمالی با ایران تضعیف نخواهد کرد؟** هیچ کشوری در روابط بین‌الملل دوست یا دشمن دائمی ندارد. اگر الان بخواهیم سه قدرت را در نظر بگیریم چین قدرت جهانی است که خوشبختانه ما رابطه خوبی با آن داریم. آمریکا قدرت جهانی است و همه فاکتورهای قدرت را به‌طور کامل دارد اما اتحادیه اروپا تمام فاکتورها را ندارد و نسبت به روسیه و چین از نظر سیاسی بسیار ضعیف‌تر است و اقتصاد آن هم ضعیف‌تر است اما وزن دارد و نمی‌توان جایگاه و وزن آن را نادیده گرفت. لذا در هر صورت باید با این قدرت نوعی توازن ایجاد کرد نمی‌توان اصلاً با آمریکا کاری نداشت چون به طور طبیعی مشکلات خود را دارد ما ایستادگی کردیم اما هزینه هم دادیم و نمی‌توان این مسأله را نادیده گرفت. ممکن است اگر بخواهیم مقابل اروپا بایستیم هزینه کمتر باشد اما باید بتوان با همه قدرت‌ها در یک حالت متعادل کار کرد سیاست خارجی ما باید متوازن باشد و بر اساس منافع ملی خودمان اقدامات را انجام دهیم. هر کدام از این کشورها هم ، وزن خاص خود را دارند. بله قطعاً اتحادیه اروپا از نظر نفوذ سیاسی ضعیف‌تر از آمریکا است اما نمی‌توان تأثیر و تأثیری که از منظر سیاسی بر ایران دارد، نادیده گرفت. در واقع در صحنه بین‌المللی باید موقعیت خود را با بقیه کشورها ستجید منهای اینکه بقیه کشورها و قدرت‌ها چگونه با یکدیگر تعامل می‌کنند. در غیر این صورت ممکن است دچار اشتباه محاسبه شویم.